

# سر و صداهای سیستانی صاحب راه به ترکستان میبرد

چرا سیستانی صاحب شخصیت خود را  
در عقب ملالی جویا پُت میکند؟

عبدالمتین کوهدامنی ، پشاور، ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸

دوستان پورتال "افغانستان آزاد" سلام و ارادت‌م را بپذیرید! آرزومندم که شاد و شادکام باشید و خداوند متعال شما را در پناه عصمت خود نگه کرده و در راهی که در پیش گرفت اید، یاری رساند! اما بعد:

در طیف سایتهای اینترنتی افغانی که به ده ها و شاید به صدها برسد، چند سایت را مطابق به ذوق خود یافته ام که در صدر همه سایت "افغانستان آزاد" قرار دارد. از زمانی که این سایت را یافته ام، علاقمند آن گشته و روزی نیست که یکی دو مرتبه به این سایت ملی سر نزنم و از مقالات و مطالب جالب و خواندنی اش، استفاده نکنم. من خودم که به شعر و شاعری و شعرا نیز میل فراوان دارم، هر روز اشعار ناب و کوبنده و طنزهای شاعر چیره دست افغان، جناب "نعمت الله مختارزاده" صاحب را نیز میخوانم و از محتویات آنها کیف میبرم. وقتی اشعار آن شاعر گرانماید را میخوانم، در دل میگویم: جانا سخن از دهان ما میگویی! من قلم توانا ندارم و به هیچ‌رو خود را نویسنده خوانده نمیتوانم، از همین‌رو رشک میبرم که بسیاری افغانهای عزیز ما میتوانند خوب مقاله نوشته کنند و یا خوب شعر بگویند. من در وجود درد رسیده ام یک سینه سخن دارم و با وجودی که اینجا و آنجا یگان نوشته خود را فرستاده ام، هزاران سخن ناگفته در دلم باقی مانده است. بعضی وقتها با خود میگویم که کاشکی بمانند نویسنده گان و شاعران برجسته افغان میتوانستم قلم بزنم و به هموطنانم راز و درد دل خود را بگویم.

مدتها بود که در پورتال « افغانستان آزاد » مقالات تاریخی آقای سیستانی را میخواندم و خوشم می آمد که این مؤرخ برجسته چقدر سخن برای گفتن دارد. گرچه در خلال مقالات ایشان وقتی پای استنتاج از رویدادهای تاریخی میرسید، میدیدم، که حتی همین تاریخدان نخبه ما هم پایشان می لنگد و از واقعات پر افتخار تاریخی ما نمیتواند به نفع شرایط امروزی بهره برداری نماید. بنده که واقعاً گرویده مضمون تاریخ هستم و دوست دارم در این راستا مطالعه نمایم، با وجود این کمبود سیستانی صاحب، جناب شان را الگوی دانش تاریخ، قرار داده بودم.

این را نیز میخواهم بگویم که نوشته های بسیاری از قلمزنان پورتال مثل داکتر صاحب عبدالرحیم عزیز و داکتر صاحب عبدالحنان روستائی و دیگر بزرگان را همیشه خوانده ام و از تحلیل های عالمانه و فهم و درک سیاسی ایشان بهره گرفته ام. در این راستا باید بگویم که بلند ترین استفاده را از مقالات نویسنده و دانشمند بزرگ وطن ما، جناب موسوی صاحب، برده ام. و خصوصاً وقتی پای مصاحبه های ایشان نشسته ام، آنقدر کیف کرده ام، که حد و اندازه ندارد. فکر میکنم که آقای موسوی باید مؤرخ زبردست بوده و از تاریخ وطن عزیز ما بسیار آگاه باشند که میتوانند قضایای تاریخی را به این نیکوئی بیان کرده و اینطور قشنگ تحلیل نمایند. معلومست که تحلیل سیاسی از وقایع تاریخی هم جاغور و ظرفیت میخواهد و هر کس نمیتواند به مانند ایشان اوضاع گذشته و امروز را به این رنگ تحلیل نمایند و از گذشته به نفع زمان حال و آینده نتیجه بگیرند.

متأسفانه که در این اواخر سر و صداهائی براه افتیده و رابطه آقای سیستانی با پورتال "افغانستان آزاد" قطع گردید است. نه تنها این بلکه سخن بدانجا کشیده که دو طرف شمشیر قلم را برداشته و بجان یکدیگر افتاده اند. اینکه این کشمکش چطور سرچشمه گرفته، برای شخص من مهم نیست. مهم اینستکه حالا دو جناح را می بینیم که در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. اگر از حقیقت نگذرم و آقای سیستانی آزرده نشوند، باید بگویم که در این گیر و دار، حق بجانب سیستانی نیست. در حالی که آقای موسوی با خونسردی تمام، پیش رفته و با منطق و برهان وارد میدان گردیده اند، آقای سیستانی با خون جوشنده و احساسات آتشین به مقابله می پردازد. باید با تأسف بگویم، که آقای سیستانی چنان عنان را گسیخته است، که گفتارش تا سطح کوچه و بازار سقوط کرده و در پناه ترمینولوژی عامیانه محض، میخواهد جواب آقای موسوی را بدهد. اگر از حقیقت نگذریم، آنچه را که آقای سیستانی به جواب ارائه میکند، اصلاً جواب نیست بلکه دو و دشنام و فحش و ناسزای محض است. من اصلاً فکر نمی‌کردم که دانشمندی به پایه سیستانی صاحب اینطور لگام بکسلد و از چوکات و چارچوب اخلاقیات و عفت کلام خارج گردد.

من نوشته های سیستانی صاحب و حملاتش را بر جناب موسوی بار بار خوانده و به این نتیجه رسیده ام که آقای سیستانی در یک حالت کاملاً درمانده گی قرار گرفته و ازینرو به حملات مذبوحانه روی آورده است. در تمام این نوشته های سیستانی صاحب، ادعا میشود که به خانم ملالی جويا «توهین و تحقیر» صورت گرفته و اینطور وانمود میشود که گویا آقای موسوی به خانم شجاع افغان ملالی جويا، خدای ناخواسته توهین کرده باشند. من همان مقاله آقای سیستانی را که در پای آن چند سطر از موسوی صاحب آمده، چندین بار خواندم، ولی کوچکترین برداشتی از تحقیر و توهین به ملالی جويا را در آن نیافتم. همان تبصره موسوی صاحب در پایان مقاله جناب سیستانی موجود است و هر کس میتواند به آن رجوع کرده و دریابد که برداشت آقای سیستانی از آن کاملاً غلط و دور از انصاف است. راستی وقتی از «انصاف» سخن میزنم، به یاد آن عالمان و دانشمندانی می افتم که هیچگاه از جاده استوار و صراط المستقیم «انصاف» خارج نشده اند. دانشمندان واقعی و علمای راستین واقعاً «انصاف» را هیچگاه از یاد نبرده و اگر لازم افتاده باشد با وجدان عالمانه، طرف مقابل را محق و حق بجانب دانسته اند.

درین جا یک سؤال کلان باقی می ماند که چرا آقای سیستانی اینطور خود را از مسیر انصاف دور ساخته و بر جانب مقابل که در هر صورت حق با اوست، می تازد؟ در واقعیت امر تاخت و تاز آقای سیستانی بر آقای موسوی، نه تنها دستپاچه گی ایشان را نشان میدهد، بلکه این نکته را نیز برملا میسازد که باید زیر کاسه ایشان نیم کاسه ای نهفته باشد. این نیم کاسه کدام است؟ چرا آقای سیستانی خود را در شعاع اینطور شعار دادنهای احساساتی، پنهان میکند و اصلاً چه چیزی را پنهان میکند؟

بنده که از گذشته سیستانی صاحب هیچ خبر نبودم، فقط نوشته های عالمانه و وطندوستانه ایشان را میخواندم و از آنها لذت می‌گرفتم، تا که در مناقشه از گذشته آقای سیستانی سخن گفته شد و من دریافتم که ایشان، نه آنچنان اند که خود را نشان میدهند. از خلال نوشته های موسوی صاحب فهمیدم که آقای سیستانی در "شورای انقلابی" رژیم منفور خلق و پرچم، به حیث یک ارگان مهم حصه داشتند و کارهای بسیاری را بر خلاف منافع ملی افغانستان و اولاده آزاده و مظلوم این خاک مقدس انجام داده اند. آنچه را موسوی صاحب در نوشته های اخیر خود گفته اند، مرا به حدی ناراحت ساخت که باید به دوستان بی شمار مراجعه میکردم و خود را از حقایق موضوع آگاه میساختم.

اگر آقای سیستانی آزرده نشوند، باید بگویم که دوستان من همه و بدون استثنا فرموده های موسوی صاحب را تصدیق کرده و گفتند که بلی آقای اکادمیسین محمد اعظم سیستانی گذشته بسیار تاریک و سیاه داشته و ضمن عضویت چندین ساله خود در "شورای انقلابی" رژیم بدبخت خلق پرچم، هزاران کار منافی منافع ملی و مردمی افغانستان را انجام داده اند. از دوستان خود در باره آقای موسوی نیز معلومات خواستم و کسانی که او را میشناختند، به یک زبان از اهلیت و گذشته پاک شان قصه کردند. به قرار گفته های دوستان سیاسی من گذشته موسوی صاحب تابناک و اظهر من الشمس است و در آن کوچکترین خدشه یی یافت نمیشود. حالا فرض نمائیم که هیچکدام این دو جناب عالی را نمی شناسیم و فقط به رویت نوشته های ایشان راجع به آنها قضاوت میکنیم. در نوشته های موسوی صاحب ادعا گردیده که آقای

سیستانی عضو "شورای انقلابی" رژیم بوده. وقتی نوشته اخیر سیستانی صاحب را که در واقع دفاعیه ایشان هم هست، میخوانیم، یک کلمه دیده نمیشود، که عضویت ایشان را در آن "شورای انقلابی" تکذیب نماید. نتیجه چنین میشو که آقای سیستانی به راستی عضو آن اورگان سفاک رژیم منفور بوده است. و اگر چنین نیست چرا جنابشان عضویت خود را با ادله و مدارک مقنعه تکذیب نمیکنند و یا اگر ایشان را به آنجا به زور برچه و کلاشنیکوف برده باشند، چرا نمیگویند، که این کار از روی اجبار صورت گرفته و من بیچاره کوچکترین قصیری در آن نداشته ام؟

وقتی نوشته های اخیر جناب سیستانی را در پورتال افغان جرمن خواندم، بدین نتیجه رسیدم که آقای سیستانی واقعاً عضو این شورای سفاک بوده است. از نوشته های ایشان این نکته هم دستگیرم شد، که آقای سیستانی با سر دادن شعارهای « ملالی جویا ملالی جویا ، ملالی جویا آن شیرزن افغان ، ملالی جویا قهرمان افغانستان و ملالی جویا آن ملالی میوند قرن بیست و یکم و ....» میخواهد از اصل موضوع طفره برود و گذشته شوم خود را در شعاع این شعارهای قشنگ و خوشمنای، بیوشانند.

اگر کسی از من بپرسد، برایش خواهد گفتم که خانم شجاع افغان « ملالی جویا » اصلاً محتاج دفاع و دفاعیه ها نیست و اگر هم باشد، دفاعیه اشخاصی مثل سیستانی صاحب هرگز به نفعش نیست. میدانم که خود ملالی جویا از این ماجرا و کش مکش اخیر اطلاع دارد و اگر اطلاع دارد، خودش درین راستا چه میگوید؟ آیا راضی میشود که کسی از جایگاه سیستانی ها، از وی دفاع برخیزد؟ نشود که دفاعیه سیستانی صاحب بدماغ خانم جویا بد بخورد و قصه لقمان حکیم را بر زبان آرد که باری زار زار گریه میکرد و وقتی دلیل گریستن اش را پرسیدند، گفت :

**« میدانم کدام کار زشت از من سر زده که مورد پسند آن شخص نادان قرار گرفته است؟»**

امیدوار هستم که سیستانی صاحب این نوشته را بخواند و بدون اینکه برآشفته گردند ، جوابی صریح بدان بدهند. اگر ایشان باز هم از تاکتیک کنونی کار گرفته و کلام خود را با هتاک ها و سخنان دور از عفت قلم بگویند، یقین داشته باشند که دیگران هم این کار را کرده میتوانند. والسلام و با احترامات فایقه